Taher Badakhshi
Institute

2024

Journal of Taher Badakhshi Institute for Social Transformation

TAHER BADAKHSHI INSTITUTE FOR SOCIAL TRANSFORMATION

پژوهش‌کده طاهر بدخشی برای تحول اجتماعی

گردایه جستار های

طاهر بدخشی

نهاد چاپ و پخش کننده

پژوهش کده طاهر بدخشی

برلین / آلمان

First published 2026

Citation

Taher Badakhshi, Questions and Answers

Journal of the Taher Badakhshi Institute JTBI.

V4: page 44-48, 2026,

TBI Academic Press

چاپ اول ۲۰۲۶ م

استناد / نقل قول:

طاهر بدخشی، پرسش ها و پاسخ ها

مجله پژوهش کده طاهر بدخشی

شماره ۴, برگه ۴۸ تا ۴۴ ، ۲۰۲۶

TBI Academic Press

[پرسش‌ها و پاسخ‌هایی در بارهٔ آگاهی انقلابی، خصلت انقلابی و پراتیک انقلابی]

الف: چقدر آگاهی انقلابی کسب کرده اید؟

جواب: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در آن هرگونه ظلم، استبداد، فقر، بیکاری، نابرابری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی موجود بوده و دستگاه زور و قُلدری در اریکهٔ قدرت تکیه زده و به نمایندگی از طبقهٔ فاسد خویش یعنی بورژوازی ملیت حاکم، احکام و فرامین غیر عادلانه و غیر ملی را گاه و بی‌گاه صادر می‌کند که حافظ منافع طبقات وابسته به خودشان بوده و ضد منافع اکثریت خلق افغانستان می‌باشد. هرگاه اگر کسی صدای اعتراض و حق عدالت‌خواهی را در برابر سیاست ضد ملی بلند نماید به نام اینکه به اصطلاح ضد جمهوری و ضد ترقی عملی را مرتکب شده، او را به سیاه‌چال و به زندان رهسپار و به انواع شکنجه‌ها گرفتار می‌سازند، که این عمل دولت کاملاً فاشیستی بوده و قلب هر فرد آگاه و وطنپرست را جریحه‌دار ساخته و تکانش می‌دهد. اما سوال این جاست که آیا می‌توان به اندوه و غم، این بار سنگین را که هر لحظه به شانهٔ مردم ما سنگینی می‌کند به دور انداخت و آیا می‌توان هر لحظه دست به دعا ماند؟ البته جواب را منفی می‌توان داد. در میخانیک گفته می‌شود که: «هر عمل را عکس‌العملی‌ست مساوی و مخالف‌الجهت». آنجا که ظلم است، قیام نیز وجود دارد و آنجا که استبداد است، اعتراض ضد آن نیز است و سرانجام آنجا که فشار است، مقاومت نیز وجود دارد ...

رژیم کودتا به رهبری سردار محمدزایی بیش از این نمی‌تواند مردم افغانستان را توسط تبلیغات جراید و رادیوی سرکاری خود فریب بدهد. زیرا مردم و خلق افغانستان ملاک قضاوت، عمل دولت را قرار می‌دهند نه گفتار میان‌تهی و کاذبانهٔ آن را. اکنون هوشیاری مردم بیش از پیش بوده و نیک می‌دانند: دولت برای اینکه از وعده و وعیدهایش سوالی در میان طرح نشود، گاهی مسألهٔ امنیت در داخل کشور را پیشکش می‌کند و گاهی هم مسألهٔ به اصطلاح برادران پشتون و بلوچ را، که این‌ها همه، جز منحرف ساختن اذهان عامهٔ مردم به مسایل فوق، چیز دیگری نخواهد بود.

اکنون فرض می‌کنیم که دولت پاکستان خودمختاری ملی را برای پشتون‌ها و بلوچها بدهد؛ در آن‌صورت آیا راه دیگری برای گریز دولت باقی خواهد ماند و در آن‌وقت چه چیز را به رُخ مردم خواهد کشید ...؟ اینجاست که ما به حیث فرزندان صدیق و وفادار مردم ستمدیده و زجرکشیدهٔ خویش با درک مشخص وضع کنونی کشور، در راه بسیج تودهٔ دهقانان، رنجبران، زحمتکشان، کارگران و روشنفکران وابسته به آنها و [ارتقای سطح] آگاهی طبقاتی‌شان از هیچ‌گونه فداکاری و سربازی دریغ نکرده و در راه سرنگونی و خورد کردن ماشین کهنهٔ دولتی به تشکل و سازمان دادن آن‌ها تحت رهبری طبقهٔ کارگر نیازمندیم؛ و با درک اینکه هیچ کودتایی در جهان وجود نداشته است که با درنظرداشت منافع رنجبران و زحمتکشان به میان آمده باشد، برعکس با به میان آمدن همچو رژیم‌های نظامی و فاشیستی که توسط تفنگ و برچه بر مردم حکومت می‌کنند و از پشتیبانی وسیع امپریالیست‌های خون‌خوار و چپاول‌گر بین‌المللی که هر لحظه خواهان خفه‌کردن جنبش‌های آزادی‌خواهی ملی خلق‌های کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین اند، خود را برخوردار می‌دانند.

امپریالیست‌ها می‌خواهند از طریق به قدرت رساندن نمایندگان خویش در این کشورها از منابع سرشار آنها استفادهٔ اعظمی نموده و برای انواع تطمیع‌نمودن کارگران و زحمتکشان کشورهای خود استفاده کنند، تا از انقلاب توده‌ها و بحران‌های پی‌درپی داخلی خود جلوگیری به عمل آورند؛ ولی تذکر می‌دهیم که امروز جهان تغییر کرده و هیچ انقلابیی نمی‌تواند در مقابل این روش امپریالیزم و ارتجاع سیاه داخلی کشورهای سه قاره دست بالای دست بنشیند؛ بلکه هزاران هزار انقلابی غیور با کینه و خشم نفرت‌انگیز هرچه بیشتر در راه از هم‌پاشیدن و سرنگون‌کردن امپریالیزم و انواع استعمار به پا خاسته و دوش به دوش یکدیگر در راه آرمان مشترک می‌رزمند و هر روز حلقه‌ای از زنجیر استعمار را درهم می‌شکنند و به آزادی ملی نایل آمده و دولت‌های دموکراتیک را به تیپ نوین مستقر می‌سازند. چنانچه رفیق‌های حماسه‌آفرین ویتنام، کمبوج و خلق دلیر فلسطین و هم‌چنین رفقای افریقایی و امریکای لاتین در مقابل اسلحهٔ مدرن اضلاع متحده پنجه نرم می‌کنند و چون ایمان آهنین به انقلاب خلق، به توده‌ها و بالاخره ایمان راستین به اتحاد کارگران و زحمتکشان سراسر جهان دارند، هیچ‌گونه بم و طیاره‌ای نمی‌تواند روح مقاومت و آزادی‌خواهی را از آن‌ها سلب کند.

ما نیز با آموزش از تجارب علمی و عملی رفقای ویتنامی و فلسطینی و ایرانی در این گوشهٔ از جهان برای سرنگونی دولت فاسد و طبقات وابسته به آن تا پای مرگ ایستاده ایم و تا زمانی‌که

خلق ستمدیدهٔ خویش را از استثمار بی‌رحمانهٔ آنها نجات ندهیم، [از پای] نخواهیم نشست و در راه انقلاب افغانستان به پیش می‌رویم.

ب: به اثر کسب این آگاهی چه اندازه خصلت‌های انقلابی پیدا کرده اید؟

جواب: با آموختن ... و دریافت واقعیت عینی که خارج از ذهن انسان وجود داشته و مستقل از آن است و با درک اینکه جهان مادی همیشه در حالت تکامل و تغییر می‌باشد و هیچ چیز در یک سطح توقف نکرده و به حالت اولی خود باقی نمی‌ماند؛ ما نیز که جزء [جهان و] طبیعت می‌باشیم و در داخل جامعهٔ انسانی زندگی می‌کنیم، با تغییر شرایط زندگی مادی، تغییراتی در افکار و شعور ما نیز به وجود آمده و قانونمندی‌های تکامل جامعهٔ خویش را که جزء جامعهٔ بشری می‌باشد، کشف و همچنین تضادهای را که در داخل این جامعه وجود دارند، دریافت و رده بندی نموده و از جمله تضاد عمده و اصلی را که گره‌گاه کل تضادهای دیگر می‌باشد دریافت می‌داریم و بعداً در صدد حل آن می‌شویم.

اکنون بی‌رابطه نمی‌دانیم بگوییم که: روابط تولیدی مسلط در جامعهٔ افغانستان، همان روابط تولیدی کهنهٔ فیودالی، نیمه‌فیودالی و نیمه‌مستعمره می‌باشد که اکثریت خلق ما را در بی‌رحمانه‌ترین شرایط بیکاری، فقر، جهل، مرض، ستم و استثمار قرار داده و یک مشت اقلیت بسیار محدود و ناچیز که به فیصدی نمی‌آیند، اهرم‌های بزرگ اقتصادی را به دست داشته و حاصل رنج هزاران کارگر و دهقان فقیر و تهی‌دست وابسته به زمین را با بی‌شرمی تمام به جیب خود می‌ریزند و یا اینکه به خارج از کشور برای باداران خارجی‌شان امپریالیست‌ها انتقال داده و از آنجا اشیای تجملی و بازیچهٔ اطفال وارد می‌نمایند. بدین ترتیب خلق‌های افغانستان از طرف دو قدرت بزرگ ستم می‌کشند: امپریالیزم و فیودالیزم و بار سنگینی را متحمل می‌شوند. خصلت یک روشنفکر انقلابی وابسته به طبقهٔ زحمتکش این است که به ادامهٔ چنین وضع ناراضی بوده و یگانه راهی را که توده‌ها را نجات بدهد، جستجو می‌کند. و طوری‌که می‌دانیم، راه نجات خلق، انقلاب است و انقلاب را جز کارگران، دهقانان و روشنفکران وابسته به آنها، هیچ نیروی دیگری نمی‌تواند به پیروزی برساند، به شرط آن که تیوری انقلابی یعنی علم رهایی خلق‌ها در بین تودهٔ دهقانان و زحمتکشان وسیعاً تبلیغ و ترویج شود تا به آیندهٔ انقلاب و تغییرات و دگرگونی‌های آتی ایمان کامل پیدا کنند؛ در غیر آن تشکل، انسجام و سازمان‌دهی آنها خیلی دشوار خواهد بود.

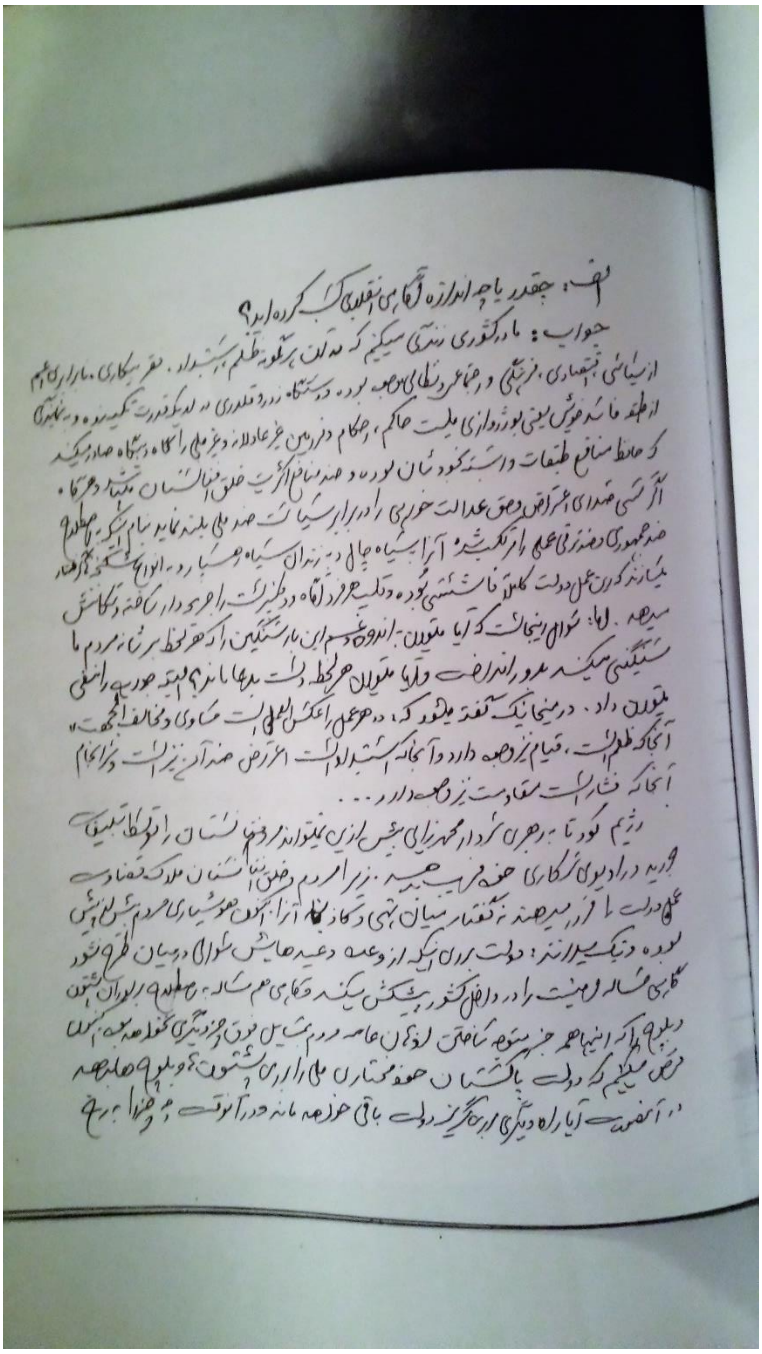
ج: با آن آگاهی و این خصایل تا چه اندازه به پراتیک انقلاب آماده اید یعنی در پراتیک انقلابی، استعدادِ کردنِ چه کارها را در خود سراغ دارید؟

جواب: با ارتباط به گفتار فوق اظهار می‌داریم: چون در جوامعی که طبقات مختلف با ایده‌های مختلف زندگی می‌کنند و هر یک از این طبقات متخاصم می‌خواهند که بر دیگری برتری داشته و قدرت سیاسی را به دست داشته باشند و برای این کار لازم می‌اُفتد که یک نیروی متمرکز و رهبری‌کننده یعنی سازمانی را ایجاد نمایند و هر یک‌شان به اشکال مختلف برای فریب و چپاول خلق در ظاهر (تا زمان به قدرت‌رسیدن) روی به توده‌ها آورده و به ناله و زاری و به دفاع کاذبانهٔ آنها می‌پردازند و می‌خواهند از این طریق مردم را فریب بدهند. ولی طوریکه تجربه ثابت کرده، کسانی می‌توانند اطمینان خلل‌ناپذیر و راستین توده و خلق را به خود جلب نمایند و از پشتیبانی آنها وسیعاً برخوردار باشند که عملاً و عمداً از منافع آنها دفاع نموده و به پایه‌داری و روحیهٔ فداکارانه به اثبات برسانند که در راه سرنگونی و نابودی دشمن مشترک‌شان در سنگر مقدس مبارزهٔ نجات‌بخش ملی و طبقاتی دوشادوش آنها پیکار می‌نمایند و در این راه جزئی‌ترین تزلزل و دو دلی را مردود دانسته و خیانت به امر خلق و انقلاب می‌پندارند.

جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست که، ما با اندیشه و مشی اصولی و راستینی که داریم و برای فراگرفتن خلق آن را، تا پای جان تبلیغ و ترویج خواهیم کرد. در این راه از هیچ‌گونه قربانی و سربازی هراس نداشته و تا آخرین رمق حیات ایستادگی خواهیم کرد.

امروز اگر نتوانسته‌ایم که عملاً در سنگر دفاع مردم در بین آنها باشیم، علتش این نیست که این همه لاف و گزاف و دروغ است و یا اینکه علاقه‌مند چوکی و مقام دولتی می‌باشیم، البته ابداً چنین نیست؛ بلکه علتش در این خواهد بود که اکنون ما نیاز به آموزش بیشتری داریم و این آموزش را بعد از آنکه خوب‌تر فراگیریم، برای پیاده‌کردن و انتقال آن در بین توده‌ها هرلحظه آمادگی خواهیم داشت. هرگاه ضرورت تشکل و سازماندهی دهقانان و زحمتکشان را در خود احساس و درک نماییم، در آن‌صورت به مدارس و دوایر رسمی هیچ ارزشی قایل نخواهیم بود و هرچه زودتر ترکش خواهیم کرد و به آغوش توده‌ها خواهیم پیوست و در این راه بی‌خوف و بی‌ریا به پیش خواهیم رفت. پایان

نمونه‌ای از یگانه نسخهٔ تاکنون به دست‌آمده دستنوشتهٔ زنده‌یاد استاد جمشید خان خاوری:



الف: چقدر یا چه اندازه آگاهی انقلابی کسب کرده اید؟
جواب: ما در کشوری زندگی میکنیم که [illegible] هرگونه ظلم [illegible]
از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی [illegible] بوده، دستگاه زور و قلدری [illegible]
از طبقه فاسد خودش یعنی بورژوازی ملیت حاکم، احکام [illegible] غیرعادلانه و غیرملی را [illegible] دستگاه صادر میکند
[illegible]
اگر کسی صدای اعتراض و حق عدالت خواهی را در برابر سیاست‌ها [illegible] بلند نماید [illegible]
[illegible] آن را بسیاه‌چال و زندان [illegible] انواع [illegible]
[illegible] دولت [illegible] گرفته [illegible]
میدهد. اما: سوال اینجاست که آیا میتوان [illegible] این بار سنگین را که هر لحظه بر شانه مردم ما
سنگینی میکند دور انداخت و آیا میتوان هر لحظه [illegible] را [illegible] جواب را منفی
میتوان داد. در مثلی گفته میشود که «در هر عمل [illegible] مساوی و مخالف الجهت»
آنجا که ظلم است، قیام نیز وجود دارد و آنجا که استبداد است اعتراض صدا [illegible]
آنجا که فشار است مقاومت نیز وجود دارد...
رژیم [illegible] تا [illegible] مردم [illegible]
[illegible] زیرا مردم [illegible]
[illegible] دولت [illegible] میدهند [illegible]
[illegible] دولت [illegible] وعده و وعید [illegible]
[illegible] را در داخل کشور [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
فرض میکنیم که دولت [illegible]
[illegible] آیا راه دیگری [illegible] دولت باقی [illegible]